





### تحلیلی از گزارش نهایی

# «سیاست‌های توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران»

در مرداد ماه ۱۳۵۹، گزارش نهایی «سیاست‌های توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران» توسط نخست‌وزیری منتشر گردید. این گزارش به حکایت بزرگواران، در ادامه گزارش مفصلی (منتشر در مرداد ماه ۱۳۵۸) در شورای عالی طرح‌های انقلاب، به ریاست آقای دکتر به‌دالله سحابی، وزیر مشاور وقت، به‌وسیله ۲۴ نفر از کارشناسان شاخه‌های مختلف تنظیم گردید. مدت ۶۲ نفر از آنان در تهیه گزارش‌های مشارکت داشتند. در پیش‌گفتار گزارش تأکید شده است که انجام این مطالعه تنها به پیشنهاد آقای مهندس مهدی بازرگان، اولین نخست‌وزیر دولت جمهوری اسلامی آغاز شده و پس از استعفاي دولت، بوقت نیز مطالعات زیر نظر ایشان و شورای انقلاب ادامه یافته است.

هرچند این گزارش در راستای تشکیل دولت جدید منتشر شد و به همین جهت مورد استقبال و توجه جدی قرار گرفت، ولی از آنجا که سیاست‌های ویرسی درباره آن ضرورت نداشته باشد، ولی از آنجا که سیاست‌های پیشنهادی در گزارش دقیقاً تجلی سیاست «کام‌بگام» و «مسرف و قابل پیروزی» لبرال در جهت متوقف کردن سیر انقلاب و ادامه نظام سرمایه‌داری و حفظ وابستگی به کشورهای استعماری است، و چون طرف‌داران این سیاست هنوز هم متأسفانه در آنجا‌های دولت و سایر مراکز فواید محکوم موثری دارند، و بالاخره از آنجا که بسیاری از تهیه‌کنندگان گزارش هنوز مقامات دولتی نیز به‌عموم در سطوح برنامهریزی را در اختیار دارند و به‌این‌وسیله در آینده نیز می‌توانند نظرات و تأملات سازگارانه خود را به‌نحوه در سیاست‌ها و برنامهریزی‌های دولت القاء کنند. لذا ترجیح می‌دهیم هرچند به‌طور مختصر، تجزیه و تحلیلی از این گزارش به‌عنوان آبروم با هم‌پیمان خود می‌دهیم که، چون گزارش بسیار مفصل است و در برخی از موارد نیز از حد «سیاست» یا تجاوز کرده و به‌این‌جهت اجرائی و تصمیمی در سطح «بروزگام» یا «بروزه» برداشته‌اند، لذا فقط به بررسی کلی در باره سیاست‌های پیشنهادی می‌پردازیم.

## ۱- تثبیت نظام اقتصادی دوران رژیم طاغوت

گرایش حاکم بر گزارش، که در شک تحت‌تأثیر لبرالیسم تنظیم شده است و نخست‌وزیر و بسیاری از مسئولان دولت بوقت نمایندگی آن بودند؛ ایجاد شرایط برای تثبیت نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم رانت‌نشین می‌دهد.

### نظام با سیاست

گزارش تأکید می‌کند که محمل اساسی و متکی قانونی آن «اساسنامه شوراهای طرح‌های انقلاب» مصوب ۱۳۵۸/۱/۱۸ هجرت دولت بوده است. ولی با تأمل در این اساسنامه و آنچه به عنوان هدف «شورای عالی طرح‌های انقلاب» در گزارش بر آن تأکید شده، ملاحظه می‌گردد که تهیه کنندگان گزارش مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه خود را نادیده گرفته‌اند و زیر به‌صراحت گزارش، هدف «شورا» اول تعیین مشخصات و طرح ویژگی‌های تشکیل‌دهنده جامعه آینده ایران در جمهوری اسلامی و در مرحله «نوز» بررسی وظایف تئوریک و عملی بوده و ماده اساسنامه، وظیفه اولیه «نوز» را تهیه طرح نظام‌های اقتصادی، نظامی، فرهنگی، جامعه ایران (۱۱) اعلام کرده‌اند.

مسئمت چنین وظیفه‌ای طبیعی و ضروری است، زیرا برای تدوین هرگونه سیاست و با تهیه هر برنامه باید بدو نظام و سیستم جامعه آینده شخصی شود. با ملاحظه گردید که با اجرائی این سیاست‌ها با برنامه‌ها به سوی استقرار نظامی حرکت می‌کنیم. در این زمینه ابتدا باید نظام جامعه آینده و ساختارها و پیوندهای آنرا با یکدیگر و بالاخره عمل کرد (فوتکنکور) مشخص نمود، و آن‌گاه سیاست‌ها و برنامه‌ها و پایه‌های اعتبارات (منبع در اساس نامه «رواهای تئوریک» تدوین گردید. اما تهیه کنندگان گزارش این وظیفه ابتدایی و اصلی خود را نادیده گرفته و مستقیماً سیاست‌ها را تهیه و اعلام کرده‌اند، در حالی که مشخص کنند با اجرائی این سیاست‌ها چه نظامی در جامعه استقرار خواهد یافت.

با این‌که دقت در محتوای گزارش می‌توان به این نتیجه رسید که، این نفعی است از غفلت یا بی‌توجهی نبوده، بلکه عکس، گروهی از تهیه‌کنندگان گزارش عمدتاً از تصریح نظام مورد نظر خویش خودداری کرده‌اند و به‌این‌جهت در ادامه در جامعه ما نظام سرمایه‌داری وابسته استقرار داشته‌اند. انقلاب این مسئله اساسی مطرح شده است که «با پایه» نظام سرمایه‌داری و در نتیجه وابستگی ناشی از آن ادامه داد، و بنا بر پایه با قطع و تضمین سرمایه‌داری، و سیاست‌های استقلال اقتصادی و سیاسی و فرهنگی را فراهم کرد. تهیه‌کنندگان گزارش، این‌همه طور که روشن خواهیم کرد، در مجموع هوادار ادامه نظام سرمایه‌داری بوده‌اند، ولی از آنجا که این مسئله در مقابل انقلابی مایه هیچ صورت حاضر به تحمل این نظام و عواقب و عوارض آن نیستند، لذا ترجیح داده‌اند که از تصریح نظام آینده خودداری کنند، و ضمن بازی با الفاظ و دادن چند شعار «انقلابی»، عملاً نظام سرمایه‌داری و وابستگی را تثبیت نمایند.

### قانون اساسی و سیاست‌ها

گزارش نهایی در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ تکمیل و منتشر گردیده است. این تاریخ حدود هشت ماه پس از تصویب قانون اساسی در مجلس خبرگان و شش ماه بعد از تأیید آن قانون توسط امام خمینی و تصویب آن در فرمانروایان معومه است. بدین ترتیب تهیه کنندگان گزارش فرصت و امکان کافی برای مطالعه اصول قانون اساسی و تحقیق سیاست‌های پیشنهادی درجست‌صراحت اصول این قانون در اختیار داشته‌اند. ولی دقت در مفاد گزارش روشن می‌کند که در برابر تفصیل و مشخصات آن، حتی یک بار از قانون اساسی و با یکی از اصول آن نام برده نشده، و به عکس، در بسیاری از موارد سیاست‌های پیشنهادی دقیقاً خلاف مفاد این قانون است. با یادآوری - شود که هرچند اصول قانون اساسی دارای ظاهری و نامرئی‌های جدی است ولی در نفعی از نظر رهبر انقلاب نیز سخی نبوده و لذا تهیه نمودن قانون و تدوین داده‌اند (۲) ولی در همان حال باید تأکید کرد که اصول قانون اساسی در بسیاری از جهات دارای جنبه‌ها و نکات مترقی است و اجرائی

صحن آن می‌تواند بسیاری از انتظارات مردم انقلابی ما را تحقق بخشد. این جنبه‌ها به ویژه در فصل اقتصاد و اموری و حقوق دموکراتیک مردم قابل توجه است. اما آنچه کنگدگان گزارش را تنها همه این موارد اصولی را نادیده گرفته‌اند، بلکه سیاست‌های خود را، خصوصاً در زمینه‌های اقتصادی و در جهت نقض این اصول پیشنهاد کرده‌اند.

### دواستعماری و وابستگی اقتصادی

ما در این بخش به عده متبرین مانع در راه توسعه و تکامل کشور ما سیاست‌نویسان استعماری کشورهای امپریالیستی و انحصارات بین‌المللی در زمینه تحکیم و تعدیل وابستگی اقتصادی و سیاسی و نظامی میهن ما به این کشورهاست. در آینده نیز جز از طریق مبارزه جدی و قاطع با امپریالیسم توسعه‌طلبانه و سرگردانی آمریکا و قطع وابستگی توسعه‌طلبانه کشورهای توسعه‌یافته، بلکه امپریالیسم و بی‌امدادهای مغرب آن‌چنان ضعیف و قابل بی‌اعتبار است که توده‌های طبقه‌ی مردم میهن ما هدف اصلی انقلاب را در این مرحله به‌خوبی تشخیص داده‌اند و به‌این‌وسیله سیاست‌ها را در مورد خواست‌های انقلابی خود فرموده‌اند. با این‌همه، چالش توجه است که در سایر اسرار گزارش ۲۳۴ صفحه‌ای، حتی یک بار از استعمار و استعمارگر، از امپریالیسم و وابستگی اقتصادی و سیاسی و نظامی با امپریالیسم سخن نرفته‌اند. حتی در آنجا که می‌توانستند از «وابستگی اقتصادی» نام ببرند، صرفاً و مطلقاً از «وابستگی اقتصادی» به کشورهای جهان (ص ۷۲) یاد کرده و رومی از این وابستگی و بی‌توجهی به «دیگر کشورهای جهان» (ص ۷۲) یاد کرده‌اند. از این‌جا می‌توانیم به «دیگر کشورهای جهان» عکس، به‌مناسبت قطع رابطه با تمام کشورهای دیگر جهان، یعنی علوی نامکن است. هدف گزارش از ذکر مطلق «وابستگی» به کشورهای دیگر، صرف کردن ذهن از اذهان از زیر بار شرع خارج کردن امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم آمریکا - سرچشمه تمام بدبختی‌ها و مصائب مردم مستعبد میهن ما است. درجای دیگر نیز که از عدم وابستگی و به‌قدرت‌ها (ص ۲۶) به‌طور مطلق سخن می‌رود، باز از همین هدف بصری می‌شود.

### اسلام و سیاست‌های پیشنهادی

در طول قرون، اسلام و مذهب تشیع همواره به‌دور صورت اساسی در جوامع اسلامی تجلی و معرفی شده است. از یک طرف، گروهی از روحانی‌نظامیان و با پیروی امام خمینی، عواطف السلطنتین کوشیدند که اصول و مقررات اسلامی را در جهت تحکیم حکومت‌های جابر و توجیه ظلم و استعمار تأویل کنند، و از طرف دیگر اسلام همواره پرچم نبیست‌های خلقی علیه سلاطین و مستعمران بوده‌است. خصوصاً در قرن اخیر بسیاری از علما و روحانیون اسلامی و به‌ویژه تشیع، برخلاف گروه‌های دیگر، کوشیدند تا ثابت کنند که احکام اسلام ناظر بر حمایت از مستضعفین و علیه مستعجز و استعمار بوده است. در دهه‌های گذشته، گروه‌های مختلف و تشیعی و شیعی و تشیعی علوی - تأیید شده است. و آن‌طور که اخیراً رایج شده، این موضوع اسلام، تحت عناوین اسلام گارتوی و اسلام خمینی، از یک‌دیگر تفکیک کرده‌اند. تهیه‌کنندگان گزارش هرچند در مقدمه بعضی اصول، آیات قرآنی با احادیث و روایات اسلامی را به‌یاد می‌آورند، اما در عین حال، با تفسیرهای نادره و تفسیرهای سراسیمه، عرفی‌همه این‌ها را در جهت تثبیت مالکیت و توجیه استعمار کوشیده‌اند. این کار نشان‌دهنده ابروی در قرآن، که به «قتل» عدل کوشیده می‌کند، نادیده گرفته‌اند و فراموش کرده‌اند که امام خمینی خصوصاً «یک سوره قصص» را شاعر اساسی انقلاب برادراده و به استناد آن، تبدیل مستضعفین به «پیشوایان» و وارثین ذریه زمین را هدف انقلاب، تعیین کرده‌اند. در گزارش، به‌جای همه این‌ها، به قسمتی از آیه ۲۶ سوره نسا تأکید می‌گردد و نتیجه گرفته می‌شود که:

«آنچه زنان و مردان کسب کرده‌اند، متعلق ملک آنان است.» (ص ۱۱۷)

حال آن‌که کمی‌دائیم، بسیاری از احکام اسلام چنین اطلاعی را نپذیرفته است. به علاوه به موجب قاعده «الظهور» و اصول و احکام دیگر، می‌تواند باید مالکیت را به نفع جامعه محدود کرد.

### نظام اقتصادی و مالکیت و بخش‌های بنیادی

گزارش درباره «سیاست‌های توسعه و تکامل»، بدون آنکه مراعات‌باجان خود، در عمل ادامه راه رشد سرمایه‌داری را برای کشور ما پیشنهاد می‌کند. در این گزارش هر چند به بخش بنیادی اقتصادی، یعنی «زیربنا» و بخش مختلط و بخش دولتی تنگ‌بند می‌کند (جالب توجه این‌جاست که اصل ۴۴ قانون اساسی به بخش دولتی و تعاونی و خصوصی را ذکر می‌کند ولی گزارش قانون اساسی را از کارزار نادیده گرفته و به‌عنوان بنیادی و بنیادین می‌کند) ولی با دقت بیشتر مشاهده می‌شود که، اساس اقتصاد پیشنهادی را بخش خصوصی با در واقع سرمایه داران به‌عنوان خواهنده داشت (هرچند فقط تأکید شده است با بکار بردن اصطلاحات «آزاد» یا «مردمی» ظاهر قضا در دست کرد).

در این گزارش، بخش خصوصی ظاهراً شامل واحدهای کوچک و متوسط تولیدی و خدماتی می‌شود (ص ۱۱۲) و در این بخش صرفاً سازمان‌ها و کارخانجات و کارخانجات و کارخانجات می‌کند (ص ۱۱۲). در مقابل بخش دولتی (ص ۱۱۲) مگر برای دفاع از این بخش در گزارش بخش مختلط نیز عملاً در اختیار سرمایه‌داران خصوصی است و مشارکت دولت فقط برای توجیه این واحدها انجام می‌گیرد. تهیه‌کنندگان گزارش درباره این بخش تا آنجا پیش می‌روند که، این سیاست می‌تواند استعمار را به این اندازه به وجود آورد، حتی در این صورت مردم دولت، اقتصاد مایه‌های بنیادین را چنانکه گفتیم (ص ۱۱۲) می‌کند. گزارش در همه جا نقض اصلی دولت را محیط سازی جهت رشد بخش آزاد و جلب اعتماد آنان بر می‌کند (ص ۴۹ و ۸۲) و در مورد بخش دولتی در اقتصاد نیز در واقع یک مکتب نقض محیط سازی، برای بخش خصوصی می‌بینیم. می‌شود در این سیاست‌های پیشنهادی واحدهای دولتی را فقط در یکی از سه زمینه زیر توصیه می‌کند:

۱- زمینه تولیدی و یا صنایع اجتماعی زیاد، ولی سود ناگانی برای جلب بخش آزاد و یا مختلط.

۲- صنایع با سرمایه‌گذاری زیاد و دوره فرام مازی یا با دوری طولانی. ۳- زمینه با اهمیت استراتژیک یا امنیتی و غیره. (ص ۴۰)

بمطابق گفته‌های خود، این زمینه‌ها عیناً متعلق با زمینه‌های است که در دوران رژیم گذشته نیز دولت به سود سرمایه‌داران در آنها فعالیت می‌کرد.

در نظام سرمایه‌داری، که سرمایه‌داران به منافع فوری خود از طریق غارت زحمتکاران توجه ویژه دارند، همواره دولت را وادار می‌کنند که در

واحدهای مستقر سرمایه‌گذاری زیاد و با دوره فرام مازی طولانی و نظایر آن سرمایه‌گذاری نماید و بدین ترتیب محبتی فراهم کند. تا آن‌ها، با بهره‌برداری از امکانات فراهم شده از طریق دولت، بتوانند در واحدهای باسود بیشتر و سریع‌تر سرمایه‌گذاری کنند.

طراحان «سیاست توسعه و تکامل» ما نیز این خواست سرمایه‌داران را فراموش نکرده‌اند و دقیقاً همان رسته‌های را به بخش دولتی اختصاص می‌دهند که به‌خوبی می‌تواند، به‌عنوان زیرمکتب، «می‌خواهد پائینی تواند» در آن سرمایه‌گذاری کند! در گزارش حتی امکان واگذاری بخش‌هایی از صنایع نفت به بخش خصوصی پیش‌بینی شده است!

به موجب اصل ۴۴ قانون اساسی، کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، سدان بزرگ، بانک‌داری، بیمه، تأمین نیرو، سد‌ها و شبکه‌های آب گرمی، رادیو و تلویزیون، پست و تلفن و هواپیمایی، کشتیرانی، راه‌آهن و مانند این‌ها سهم بخش دولتی است. به علاوه اصل ۴۵ تمام منابع طبیعی را انفال و در اختیار حکومت اسلامی می‌نماید.

مقایسه این اصول با آنچه که در گزارش مطرح شده‌است، نشان می‌دهد که، طراحان گزارش با چه حد از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فاصله گرفته‌اند!

### جلب اعتماد بخش خصوصی

تثبیت کنندگان «سیاست‌های توسعه و تکامل» گرانی خود را باین‌جهت نداشته، زیرا لزوم جلب اعتماد بخش خصوصی را، آنان در این زمینه تا آنجا سرمایه‌داران وابسته هستند، با یادآوری می‌کنند. آنان در این زمینه تا آنجا پیش رفته‌اند که، در مورد فرار سرمایه از کشور، صرفاً اعلام می‌کنند: «چنانچه سیاست‌های مربوط به محیط اقتصادی زودتر تدوین و اعلام نمی‌گردد، بخش عظیمی از این ثروت در کشور می‌ماند.» (ص ۱۹۱)

کوشی گزارشی‌کنندگان فراموش کرده‌اند که سرمایه‌های فراری به‌طور عمده متعلق به سرمایه‌داران، مقامات عالی‌رتبه و لشکری و سرمایه‌دار وابسته بود، و این غارتگران که جان و مال خود را در خطر می‌دیدند، ترجیح دادند که مال خود را به خارج منتقل کنند و خود از کشور بگریزند. لذا ادعای باقی‌ماندن «بخش عظیمی از این ثروت در کشور» ادعای نا - درستی است. گمان‌کننده، خود باید که پس از انقلاب نیز سرمایه‌داران بزرگ و وابسته باقی‌مانده، که از او‌ها و امتیازات دولتی استفاده کرده بودند، این مال خود را، به در انحصار گروه حاصل‌افزونی کالاهای ساخته‌شده و مواد اولیه موجود، به ارز تبدیل کنند و به خارج بگریزند. جالب این است که گزارش تأکید می‌کند که صاحبان صنایع موجود در کشور، رغبت و تمایل به رفع مشکلات ندارند، بلکه در برخی موارد کارگشایی می‌کنند. و اوضاع را به هم می‌ریزند (ص ۸۲).

باین وصف آیه‌ی توبان بازرگانه این صاحبان صنایع، که به‌فراغت‌گری عادت کرده‌اند، در آینده خدمت انقلاب خواهند بود. و به قول تنظیم - کنندگان گزارشی، به سود «مغول و مشروط» رضایت خواهند داد؟ تهیه کنندگان گزارش، با تنگ‌بند مالکیت از مدیریت (ص ۸۵) بر آنند که سرمایه‌داران خصوصی حتی تنگ‌بندی‌ها را در واحدهای خصوصی بپذیرند، ولی خود فعالیت در این زمینه نداشته باشند و فقط سود بابت سهم خود را از اشتراک کارگران جمع‌آوری کنند. و چون این پیشنهاد بدون هیچ تئوری‌مندی مطرح می‌شود، در واقع دنباله همان سیاست رژیم گذشته است و هدفش ایجاد یک قشر طبقه تئوریک خواران سرمایه‌داری است. به علاوه گزارش با قائل شدن اولویت برای واحدهای کوچک (ص ۸۱) در واقع در صدد تشدید وابستگی اقتصاد ماست، در حالی که برای رفع این تعدیل وابستگی و باقی‌ماندن صنایع تولید مایه‌های اساسی و صنایع بزرگ تبدیلی در کشور به‌وجود آید، تا بتوانند، با استفاده از صنایع موجود، تولید کنند و احتیاجات پنجاب کوچک را تهیه نمایند.

### مسئله دهقانان و مالکیت در روستاها

تحقیقات علمی و بررسی‌های تاریخی روشن کرده است که یکی از شرایط استقرار و گسترش نظام سرمایه‌داری و بورژوازی و مهاجرت روستاییان به شهرها تشکیل می‌دهد. استقرار کارگران از سوی سرمایه‌داران، چون رشد تولید و گسترش سرمایه‌داری مسئله‌گزار می‌گردد. در این زمینه، ما به‌عنوان دارایان همواره به‌تعدادی کارگر بیکار در شهر نیاز پیدا می‌کنند. تا بتوانند آن‌ها را به‌طور موقت با دامن استخدام کنند. این روند در کشور ما خصوصاً پس از سال ۱۳۴۱، یعنی در جریان تحکیم نظام سرمایه‌داری وابسته و همراه با اصلاحات ارضی نیمه‌تثبیت رژیم گذشته و مهاجرت روستاییان از شهرها به اصلاحات تشدید شد. ایجاد شرایط برای این مهاجرت و خود غنی‌سازی هدف‌های اصلی نظام مالکیت بوده است. بدین ترتیب روستاییانی که در حاشی غارت بزرگ مالکین بودند و با داشتن روابط سرمایه‌داری در روستاها، که اصلاحات ارضی شرایط مناسب برای آن بوجود آورده بود، و روستایی - شدند، با دیگر نمی‌توانستند در روستاها زندگی را تداوم دهند و تاجر به شهرها مهاجرت می‌کردند. این گزارش همه این عوامل را نادیده گرفته و با «کمی یا نبود اشتغال» و خدمات و امکانات رفاهی در روستاها را (ص ۶۶) علت مهاجرت شناخته است!

این «عدم توجه» نه تنها در زمینه مهاجرت، بلکه در بررسی علل پائین بودن درآمد روستاییان و کمبود تولیدات کشاورزی و بالاخره ارائه راه حل نیز مشاهده می‌گردد.

بزرگترین تئوری روستاها را با نظام بزرگ مالکی تشکیل می‌دهد و به‌عین جهت مهم‌ترین و مهم‌ترین خواست روستاییان مایه سلب مالکیت از مالکین بزرگ و تقسیم اراضی آنان بین کشاورزان کم زمین و بی‌زمین بوده و هست. به خاطر این خواست و بر اثر مبارزات دهقانان بود که سرانجام تحویل به‌آدمه نظام مالکیت گذشته، که در سیاست دولت موقت حکم بود جای خود را به طرح استاد رضا اصفهانی و بالاخره تصویب قانون زمین تکلیف ارضی کشاورزی داد. ولی تهیه کنندگان گزارش همه این‌ها را نادیده گرفته و آرزوی ادامه نظام مالکیت گذشته را تمسک کرده‌اند.

گزارش با اینکه فقر روستاییان را اعتراف می‌کند (ص ۷۶) ولی اصلاً آن را به غارت مالکین بزرگ مربوط نمی‌داند و به همین جهت برای رفع آن حل مشکل مالکیت و واگذاری زمین به روستاییان را نمی‌کند، بلکه فقط به برنامهریزی توسعه می‌کند که احتمالاً درآمد شهر و روستا را تعدیل کند (ص ۶۷). در جایی هم که تهیه کنندگان «سیاست ناچاری» شوند که به مسئله مالکیت و تقسیم اراضی بپردازند، باز هم با صدور حکمی کلی و مبهم می‌کنند که:

«شرایط و وسایل تقسیم اراضی بین دهقانان، به‌نحوه که یا صاحب زمین خود شوند یا حق بهره‌برداری به آنان تعلق گیرد، فراهم شود.» (ص ۷۹)

ملاحظه می‌گردد که در این توصیه‌ها سلب مالکیت از مالکین بزرگ و تقسیم اراضی بین دهقانان فاطح و مریح با این تأکید و حتی با پیش‌بینی و قیقه در صفت

# باتشکیل کمیته‌های دفاع در کارخانه‌ها خرابکاری‌های دشمن را خنثی کنیم

انقلاب و دستاوردهای آن از جانب امپریالیسم آمریکا تدارک می‌خورد.

طبقه کارگران ایران، در همه عرصه‌ها اکنون بدفاع از زمین انقلابی برخاسته است. او با وجود محرومیت مزمن خویش، از آن و بنیاد خویش می‌گاهد و به امر دفاع کمک مالی می‌کند. هم‌تراز آن طبقه کارگران است که شروت خویش، جان و تنی خود را در راه سودی جوید و آن را به جیبه جنگ ارضی می‌دارد.

این روزها صفات جراید از اعلام آمادگی کارگران برای اعزام به جبهه جنگ میبینی، سرشار است. همه کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی، کارکنان موسسه‌های، گوناگون، شوراهای سندیکاها، کارگری، بیکارها به دفاع از انقلاب و میهن و جمهوری اسلامی ایران ایستاده‌اند. و آماده‌اند، تا همه تن سلاح ببرند و چون ستاره ای بر ظلمت دشمن جنگ آفرین و نابکار فرود آید.

این همه به جنبه‌های شایسته است. لیکن در مقام کارگران، نکته اصلی ناگفته خواهد ماند، اگر چه وجه ویژه و خفیه کارگران، یعنی پاساژها و تئوری و جنبه‌های خیره‌کننده کارخانه‌ها و مقابله با فداکاران و انقلاب گستاخ و با لایبردن روحیه خلایق، ابتکار و نوآوری و... آثاره ای نشود.

طبقه کارگر، به لحاظ موقعیت عامی خود، قدرت جمع آمدن، متحد شدن و سازمان دادن دارد. طبقه کارگری

وزارت کار را موراجی می‌باید، با انتشار اعلامیه ای، بسوزد و تشکیل گروه‌های امداد و نجات در کارخانه‌ها را تأکید کرد. در این اعلامیه، این تصمیم به علت خطر بسیار آن واحد و تولیدی صنعتی و به منظور مقابله با آتش سوزی و مصدات ناشی از آلودگی ساکنان ها ذکر شده است.

بهمین منظور گروه‌های نجات کارخانه‌ها، متشکل از ما سوریان امینی کارگاه، پدیده کارگاه و کسانیکه در رشته کمک‌های اولیه دوره دیده‌اند، ما سوریان آتش نشانی کارگاه، بنما پدیده کارگران و دیگر افرادی که دوره نجات و امداد دیده‌اند، متشکل می‌شود.

در اعلامیه وزارت کار از ما موراجی آمده است: کمک‌های اولیه و آتش نشانی می‌باشند، می‌توانند افرادی را به مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار... معرفی نموده تا در مرکز مذکور آموزش لازم را ببینند.

تشکیل کمیته‌های آمادگی و گروه‌های امداد و نجات، اقدامی است که در شرایط حساس کنونی ضرورت تام دارد. دشمن چنانچه کارگران، در تلاش مذکورانه خود برای شکست ما، از جمله به تاسیسات صنعتی تولیدی ما حمله ور شده، آنها را بسیار آن می‌کند. دشمن با حمله به تاسیساتی از قبیل منابع فولاد، ذوب آهن، نیروگاه‌ها، کارخانه‌های ایران تاسیسات، مراکز تصفیه نفت و خطوط انتقال و تعلیمات و... تاکنون نشان داده است که این عملیات را برنما می‌دهد و در جهت نابودی اقتصاد کشور ما و فلج کردن مراکز تولیدی، در پی پدیده‌ها می‌باشد.

دشمن به پیروی از طرح تجار و کارخانه امپریالیسم آمریکا، انقلاب ما را هدف گرفته است و تا بودی سینه صنعتی و تولیدی ما را از این نظرگاه دنبال می‌کند.

امپریالیسم آمریکا، خواهان ایجاد نجات کارگران است که در جامعه انقلابی ما سنگ بر روی سنگ نماند و به نفع خیر از ما هم بگذرد و مواج سیمکین مشکلات گوناگون بیکس پس از دیگری، بیکار انقلاب را در هم گویند. تا توده‌های انقلابی در برابر خود به منظور کسب استقلال و برای نیواری میهن، در عمل به بن بست کفایت شده. امپریالیسم آمریکا با این طرح در حقیقت به محمل‌ها و وسایل لازمی می‌اندیشد، که علاوه بر سنگین شدن و تضعیف و نه نابود کردن، سهل است، آن را بر شتاب و کاملاً امیا کند.

شیطان بزرگ بلطایف الجبل می‌گوشد، تا با تدارک ویرانی کشور ما، روزی را نزدیک کند که ما دست دوستی خویش را بسوی او دراز کنیم و با چشم نیواری و دست دوستی منت (( از او سخاوتمندانه تبارک‌های انسانی، فلسفی، مالی خویش، ما را از در افتادن به سرایش تا بودی کامل حفظ کند ((

بدینوسیله است که روهان نگار امپریالیسم به هر وسیله ممکن و به هر قیمت می‌گوشد، تا چنین روزی فرا رسد. ولی آن‌ها در دستان شیطان خویش اراده، میبایستند ایرانی، بی‌وزنه طرف میبایستند کارگران ایران، انقلابی را تا دیده می‌گیرند و همین عامل شکست تمام می‌تواند باشد.

کارگران ایرانی در تمام نقاط طرف سرنوشت ساز تاریخ ایران سهم داشته و خویش را به تاریخ و به میهن و به خلق ادا کرده‌اند. آنان با بارها پوزنه متجاوزین را خنثی و خنک کرده‌اند. شفقگران قهرمان ایران، که - بزرگترین فریب از برترتک امپریالیستی ما نیست انگلیس، در دوران جنبش ملی شدن صنعت نفت وارد کردند، این بار در هم جزو کرده اند که دشمن اصلی همه زحمتگران جهان امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، را برای همیشه از میهن خود خارج کند.

طبقه کارگران ایران، جنگ تجاری جاری را، هر چند که این بار دست آمریکا در آستین مدام است، فلسفه‌های از سلسله توطئه‌های ارضی می‌کند که به منظور نابودی

- هم اکنون کارخانه‌ها به ستاد بسیج انقلابی تبدیل شده است
- با ضد انقلاب باید قاطعانه مبارزه کرد
- شهادت شش تن از کارگران ایران - تاسیسات، شهوند و هلیکوپتر سازی و خطر مبرم حمله دشمن، تأکیدی است بر ضرورت مطلق آموزشهای نظامی کارگران

از همه اقشار جامعه زیرستم سرمایه امپریالیستی است و ناگزیر برای گسستن زنجیر سیمکین اطارت بسا تدارک سلاح اتحادیه مبارزه ای بی‌امان دست می‌زنند و با این مبارزه جامعه را سازمان از اسارت نجات می‌دهد. ما دست ما خواهد بود. اگر می‌بینیم که کارخانه‌ها هم اکنون به ستادهای بسیج انقلابی برای حفظ امنیت تولید و لایبردن آن، برای مقابله با حملات دشمن و نیز برای کسب آمادگی مبارزه در سنگر و در جبهه نجات و امداد و صومعه و مجروحین حملات دشمن، تبدیل شده است جای گفتنی نیست. قهرمانی طبقه کارگری گشته است دفاع در کارخانه‌ها باید با برنامه روشن همه جوانب کار را در او راجع در برگیرد:

- جلوگیری از فرار مالیات و اخراج کارگران را -
- بر تولید و آهنگ آن نظارت کند،
- دست‌های مراقبت و نگهبانی از آنها را سالن -
- ها و ماشین آلات و فراهم آورد،
- آموزش‌های نظامی را از زیر نظر ستاد بسیج مستضعفین برای همه کارگران عملی کند،
- کار تهیه مواد خام و وسایل بدکی و قطعات لازم را سازمان دهد،
- بر حقوق کارگران، مزایای قانونی و شیازهای واقعی آنان نظارت کند و از اجاره‌دهنده کوچکترین

در حال حاضر مسایل زیر برای کارگران وجود دارد: ۱- کسب کارخانه‌ها با وجود کرد و خاک فراوان، در محل "خنگ" و "انبار خنگ"، فاقد کاتال کشی و تهیه‌های لازم برای انتقال کرد و خاک حاصل از چای خنگ به بیرون کارخانه هستند. فقدان این وسایل سلامتی کارگران را تهدید می‌کند.

۲- کارخانه‌ها فاقد یک سرویس بهداشتی و پیش‌جهت استحمام هستند و کارگران بعد از قریب ۱۸ ساعت کار در شرایط روز، قادر به یک استحمام و شستن عمار ناشی از جای خنگ شده نیستند.

۳- وضع غذا و زندگی کارگران در کارخانه‌ها تا بهمان و غیر بهداشتی است. آنان محلی برای خوردن نهار ندارند.

۴- کارگران را خواستار رسیدگی به این خواستها و جلوگیری از اعمال فشار کارفرما هستند.

حق از کسی باغ شود، کارمندی شدن و معادله کارخانه‌های بزرگ و بیرون رفتن آنها امپریالیسم آمریکا را در شرایط مستقیم با سازمان منافع ملی شده با پیگیری دنبال کند.

- در تهیه بناگاه، تهیه کپسول‌های آتشی، نشانی، کمک‌های اولیه و وسایل ضروری فوراً بکوشند و کارگران را تا سطح قابلیت کامل جهت استفاده از این وسایل تمرین و آموزش دهند.

- با کمیته‌های دفاع در کارخانه‌ها در تمام منظم باشند و هماهنگی لازم را برای منظر بگردن عمل - گردفدا انقلاب برواحدهای تولیدی پدید آورد.

اینها و دیگر وظایفی را که از امتن مسائل جاری بر می‌خیزد، با تشکیل کمیته‌های دفاع و متفکک از نمایندگان کارگران و کارکنان و مدیریت کارخانه‌ها، می‌توان و باید با قاطعیت دنبال کرد.

دشمن در تمام و زگسترده خویش از برای جبهه ضد انقلاب جهانی و تمام شیوه‌های معروف و نامعلوم و سرخوردار است. برای مقابله با همه دشواری‌ها باید سالن‌ها و انبارها را در هم می‌کوبد، هم نهار بر صنعتی خطوط ویژه طرح‌های عملی را ترسیم کرد.

خطر لحظه هست. این خطر هم جان‌ها را شامل می‌شود، انظار و شش تن از کارگران ایران تاسیسات، شهوند، هلیکوپتر سازی را به تاسیسات رسانید، هم بناها سالن‌ها و انبارها را در هم می‌کوبد، هم نهار بر صنعتی و تولیدی را نابود می‌کند و سرانجام چرخ کارخانه‌ها را متوقف می‌کند.

برای مقابله با این خطر، آمادگی قبلی لازم است آموزش لازم است سازمان دهی و برنامه ریزی لازم است همگامی و همکاری بخش‌های گوناگون موجود در واحدها لازم است. برای مقابله مؤثر با این خطر، حتی در خود کارخانه نیز به جبهه ای، مطمئن مورد نیاز است. بدین ترتیب، با ضد انقلاب را در جبهه غایب برادران و شرفروگان، ما را با جو سلسله از نفاقت آفرین و توطئه انگیزش‌ها متوقف و منسوخ کرد. این دشمن می‌تواند بقایای عوامل ضد انقلابی ساواک و عناصر مخوف در گذشته مزدور ضد انقلابیون را عامل خود کند، در مانگ‌های گوناگون چپ‌نمایان و اسلام پشانی، خاک در چشم حقیقت می‌پاشد و سلاح جنگ زده خود را با میقتل ناتوان بپا نه‌ها، کمیسرودها، اختیارات، تا رسائی و نود نام کاری با به حرکت در می‌آورد.

فدا انقلاب گروهک‌های مافوقیستی را نیز شامل می‌شود که، به هر وسیله ممکن می‌گوشد، افراد را نسبت به همه آنچه‌ها گزند، بدین جنبه و با خنثی کردن انرژی مؤثر کارگران در دفاع از انقلاب، رسالت (( خود را در تعیین منافع آمریکا امپریالیست، سر دسته‌ها و ترکان جهانی به انجام رسانند.

آنان با شجاعت در تبلیغ نظرات ضد انقلابی - ولی گاه عوام فریبانه خویش جای ویژه ای را در ارتقای طبقه‌های شوم امپریالیسم آمریکا، جهت تصفیه جبهه درونی انقلابی اشغال می‌کنند. نسبت به شناخت و طرد این عناصر مریض کمیته‌های دفاع قاطعاً مسئولیت خود را خواهند داشت. و سرانجام با دوری این نکته بجاست که مریضترین وظیفه کنونی، دفاع تجار و رژیم جنایتکار مدام حسین، است. اقتصاد ماسیسات صنعتی و تولیدی ما، برای این که به امر جنگ میهنی یاری رساند باید به جنگی باشد. اقتصاد ما باید بطور عمده در خدمت ارتقای نیازهای ملی از جنگ فرار گیرد. کارگران نیز سربازان و جبهه گسترده کارخانه‌ها هدف استراتژیک دشمن است. بنا بر این برای پاسداری از تولید و نگهبانی از امکانات موجود و ایجاد شرایط برای رشد شرایط مساعد باید با تشکیل کمیته‌های دفاع در کارخانه‌ها، خرابکاری‌های دشمن را در تمام آنها خنثی کرد.

## درباره کارخانه‌های چای سازی «املش»

«املش» یکی از مناطق کشت و تهیه چای گیلان است، که در آن بیش از شش کارخانه چای سازی وجود دارد. مصوبات هر یک از این کارخانه‌ها بدین شرح است: ۱- کارخانه چای سازی «بهرنگ» این کارخانه متعلق به سرمایه داران خصوصی است و در آن حدود شصت تا هفتاد نفر کار می‌کنند، که تعداد کارگران دانشم آن انگشت شمار است.

۲- چای سازی شرکت سهامی «املش» این کارخانه، به طوریکه از نام آن بر میآید، شرکت سهامی است، ولی سهام همه آن به دوزخ‌هاز خود املش متعلق دارد. تعداد کارگران این کارخانه بین شصت تا هفتاد نفر است.

۳- چای سازی کاظم موفی، تولید آن کم و تعداد کارگران بین ۱۵ تا ۲۵ نفر است.

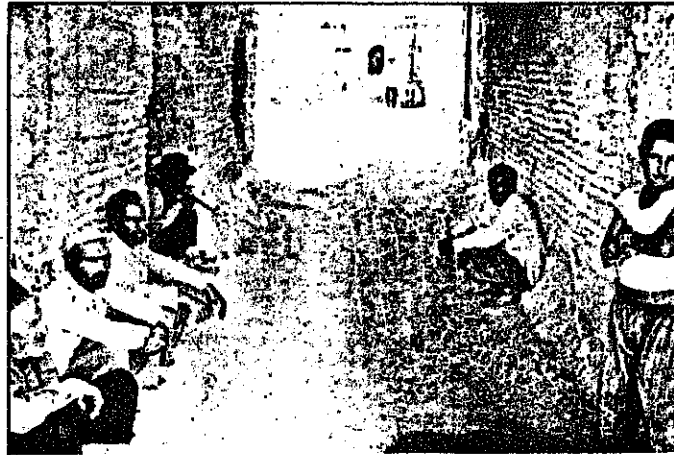
۴- چای سازی البرز، کارخانه به دو نفر سرمایه دار اصلی تعلق دارد و تعداد کارگران آن هنگام تراز کار به هفتاد تا پنجاه نفر می‌رسد.

کارگران این کارخانه‌ها برای دفاع از حقوق صنفی خود در هیچ تشکیلاتی عضویت ندارند، و چون بطور فکلی کار می‌کنند، اخراج شدن از کارخانه همواره آنها را تهدید می‌کند.

کارگران بطور کلی از وضع کارخانه‌ها و شرایط کار خود ناراضی هستند و از این شرایط شکایت دارند. اعتراضی و شکایت کارگران گاهی باعث تعطیل شدن کارخانه‌ها می‌شود. این اعتراضها بیشتر در مورد اخراج کارگران و بیگانی حقوق و اضافه دستمزد صورت می‌گیرد.

## کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید

# هیئت واگذاری زمین و روستاهای اطراف جاده قم - اصفهان



روستای حن آباد - اصفهان. دهقانان زمین و آب میخوانند تا نیروی خلاصه خود را بکار اندازند و برای میوه انقلابی خود محصول در چه بیشتری فراهم کنند.



دهقانان اطراف اصفهان خوشه‌های گندم را دسته‌دسته میکنند تا توسط آمریکا و تجاوز صدام را شکست دهند.

دهقانان کم‌زمین عقیده دارند خوش‌نشین هاسمی از زمین ندارند، و اگر هم قرارند این ۱/۵ دانگ تقسیم‌شده، باید میان تمام دهقانان تقسیم‌شود. به هر حال، این وظیفه هیئت ۷ نفری است که به این گونه اختلافات پایان دهد. این اختلافات املاً نه به سود روستا قیام، اعم از دهقانان کم‌زمین و خوش‌نشینان است، و نه به سود انقلاب، هیئت باید رسیدگی کند و حق را به حق دار بدهد، اصل بر اتحاد منافع همه زحمتکشسان است. با بدهی دهقانان، اعم از کم‌زمین و بی‌زمین، برادران کارکنند، به سود میهن انقلابی و خانواده خود، تولید را سازمان دهند. شاید در این جا هم تشکیل تعاونی تولید مناسبت‌ترین راه برای نیل به اتحاد و کار مشترک همه روستا قیام باشد. این اختلافات در روستای تقریباً وسیع چنداب نیز به چشم می‌خورد. این روستا قدری زمین غیر زراعی دارد، که اهالی می‌خواهند در آن خانه بسازند، اما هنوز توافق بین آنها بر سر تقسیم زمین نشده است. قرار شده است که چند تن از اعضای شورای روستا (پناه به تقسیم هیئت نظری) با اهالی دربار به این موضوع مشورت کنند و قیمت مناسبی برای زمین تعیین کنند و آن را به اهالی بفروشند. به همین جهت حسابی دربار سنگ به نام شورای ده‌باز شده است، که اهالی می‌توانند پول زمین را به آن حساب واریز کنند و از این طریق صرف‌مسران روستا کنند. این روش که اصل را بر کار جمعی و مسئولیت و نقی شورای ده قرار می‌دهد، بسیار رسیده است و باید اتفاقاً و اتحاد را در سایه همین گونه همکاری‌ها در جا رچوب شورای ده، به دست آورد.

روستای نیزار، در ۵۰ کیلومتری جاده قم- اصفهان قرار دارند. در حدود ۶۰ خانوار از ۹۰ خانوار ساکن در این روستا، خوش‌نشین هستند. مالک بزرگ این روستا ۳۵۰ هکتار زمین در اختیار خود دارند. این روستا آب و برق ندارد و مدرسه و امکانات آن را مثال باخته‌اند. واقع است که انقلاب ما، انقلاب کوه نشینان و بیست‌مغفین، نمی‌تواند تحمل کند که در دهی از یکسو ۳۵۰ هکتار بزرگ مالکی باشد و از سوی دیگر ۹۰ خانوار بی‌زمین، او گزینا ۶۰ خانوار جمعیت درگاه مالکین قرار دارد و آب ندارد. تیرهای چراغ برق را تا زنگی آورده‌اند. نحوه مالکیت بر روی زمین‌ها به صورت خرده مالکی است. دهمین که در انتظار فرصت مناسب است تا شمشیر زهرآلود خود را بر فرق انقلاب فرود آورد، می‌گوید تا برای تضعیف طرفداران انقلاب، دمسوا بین زمینکشان برآوردند و نا رها بی و نا امید ایجاد کنند. در حال حاضر وجود اختلاف میان دهقانان، ممکن است باعث درگیری‌ها شود، که این نه تنها به سود دهقانان نیست، بلکه در مجموع به سود دشمن متجاوز یعنی عمال صدام حسین واریا بشماریم. لیس آمریکا و به زبان انقلاب است، با اتخاذ تدابیر جدی و نیروی دگر درجه اول آغاز کار عملی هیئت ۷ نفری و از بین بردن کامل بزرگ‌مالکی و دادن زمین به دهقانان این مناطق، می‌توان جلوی اختلافات را گرفت و مزه بزرگی به دهقانان داد. این کار یک گام عملی و موثر در راه دفاع از دستاوردهای انقلاب و میهن انقلابی ما، در راه بی‌سرزمینی دهقانان و در راه تأمین محصولات هرچه بیشتر و تولید فراوان تر است.

تزدیک به ۱۰ ماهه از انقلاب شکوهمند میهنمان می‌گذرد ولی در اکثر روستاها و از جمله روستاهای اطراف جاده قم - اصفهان هنوز در وضع تعدد اکتبیری از دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین تغییری داده نشده است. در برخی از این روستاها، میان اهالی بر سر مسئله زمین اختلافات جدی وجود دارد و در برخی دیگر روستا قیام در انتظار ورود هیئت واگذاری زمین هستند. بی‌اغراق می‌توان گفت که در حال حاضر بهترین مزدگانی برای روستاییان میهنان و از جمله اهالی این منطقه، پس از در هم تکتستن تجاوز دارو شده مدام حسین و متجاوز و عواقب آن، مزه و ورود هیئت تقسیم و واگذاری زمین است. به همین جهت ورود هیئت مزبور به روستاها و این منطقه، جهت حل اختلافات ناشی از دهقانان و واگذاری زمین به آنان و احتمالاً تشکیل تعاونی‌ها بر روی اراضی مشاع، در حال حاضر امری ضروری است، تا هرگونه اختلاف و دو دستی از بین برود. به علاوه وضع معیشتی روستاهای اطراف جاده قم- اصفهان اسفناک است. اکثر اهالی روستاها این منطقه از نعمت آب، برق، حمام، درمانگاه و پزشک و دیگر ترفیها و وسایل اولیه زندگی بی‌بهره‌اند. نمونه‌های زیرگویی وضع تا بسامان روستاهای اطراف جاده قم- اصفهان و ضرورت اقدام فوری هیئت‌های هفت نفری است:

اهالی روستای قمر و دهقانان ساکن به‌های خود را به دختر هیئت نظری برده‌اند، تا این هیئت جهت واگذاری زمین به آنان، نام روستا قیام را ثبت کند. هیئت مزبور وظیفه دارد در درجه اول اراضی بزرگ مالکان را، که ما به شر و کانون فساد و غارت هستند، بگیرد و به دهقانان بدهد. باید دانست که دادن زمین‌های موات، که قسمت کنونی هیئت است، در شرایطی که هیچ وسیله‌گاری کشت آن اراضی نیست، حتی از اقتصاد کشاورزی ما هم دردی علاج نمی‌کند، چه رسد به مسئله بسیار اساسی اجتماع، و بسا سوا اقتصادی ریشه‌کنی بزرگ مالکی.

اهالی روستای فیض آباد دو جاجی آباد، در حدود یکسال پیش در اختیار یک روحانی‌نما بود، که اکنون در اختیار دهقانان است. آیت الله خلیفه لهر از امر واگذاری زمین به دهقانان بی‌بهره و سانه است، اما روحانی‌نمای مسالک هنوز ادعای مالکیت به این اراضی‌ها و مزاحم کشت و کار دهقانان می‌شود. روستای چاهک با ۷۰ خانوار جمعیت درجاده قم ساوه قرار دارد. عمده‌ترین مشکل اهالی این روستا نیز همچون دیگر روستاها مسئله زمین است. این روستا شورا دارد. هیئت هفت نفری یکجا بر سر مذاکره جهت واگذاری زمین به این روستا آمده است، که در آن هنگام اعضای شورا نبوده‌اند، علاوه بر اینها، در این روستا آب و برق وجود ندارد.

در روستای حسین آباد نیز وضع به همین منوال است. این روستا با جمعیتی در حدود ۶۰ خانوار دره و یکپلو - متری قم قرار دارد. اعضای شورای این روستا به وسیله هیئت هفت نفری انتخاب شده‌اند. ۲۰ خانوار در این روستا عوش نشین هستند.

این روستا آب و برق ندارد. تنها محام این روستا بهداشتی نیست. آب مصرفی اهالی بسیار کم است و آب کم‌در اوله واقع در محلات بالو پایا بین باعث

حمام به دلایل چندی خراب شد و فعلاً اهالی از داشتن حمام محرومند. روستا قیام مجبورند برای استحمام به روستای گنبد واقع در ۱/۵ کیلومتری کلات‌نشین بروند. کلات‌نشین دارای یک تراکتور است که آن هم خراب است. برای روستاییان زحمتکی که با کمبودهای اساسی روبرو هستند، باید بطور انقلابی و سریع اقدام کرد. همچنین، رهبران انقلاب، باید دست به از واریزخانه‌ها و ماموران اجرا بخواهند که از کاغذ بازی‌ها و غلط کاری‌های زمان طاغوت اجتناب کنند و رفاه ملت مظلوم و عقب افتاده‌گی‌های آنان را به طور فوری ترمیم کنند. باید هر چه زودتر به نفع این زحمتکش رسیدگی شود. این کار اهمیت اقتصادی و سیاسی فراوان دارد و توسطه سپهکاران آمریکا را، که می‌خواهد کشور ما را با قطعی و گرسنگی بهرانو در آورده در هم خواهد شکست.

می‌خورد که حتی طرف‌دشتن و آب برداشتن هم نوبتی باشد. روستای دولت آباد در ۷۰ کیلومتری جاده قم- اصفهان قرار دارد. در حال

معمولات غذایی، از این زا زمین حمایت کرده. این عمل مستقیماً به نبرد جمعی حیاتی ما علیه امپریالیسم آمریکا خدمت خواهد کرد. دامداری نیز در این روستا رواج دارد. تولیدات کشاورزی این روستا بیشتر به مصرف خود اهالی میرسد. با اتخاذ تدابیر لازم می‌توان تولید زراعی و دامی روستا را بسیار افزایش داد و نیازهای کشور را بهتر برآورده ساخت، که این خود ضرره‌ای است به آمریکا و متجاوز. زیست‌نیا روستاهای منطقه در معرض خطر میل و اقتصاد، سال گذشته روستایی

## گزارش از روستا: روستای کلات‌نشین، از روستاهای «سرولایت» نیشابور

روستای کلات‌نشین از توابع سرولایت نیشابور در منطقه‌ای کوهستانی واقع است. این روستا از شهرستان نیشابور ۱۴۵ کیلومتر فاصله و در حدود ۱۰۰ نفر جمعیت دارد. جاده ارتباطی این روستا به نیشابور شنی است. زمین‌های قابل کشت این روستا و روستاهای اطراف زیاد است و ولی به علت سیاست‌مدهقانان رژیم شاه ملعون، این زمین‌ها بدون کشت و محصول مانده بود. باید در مورد کشت و حاصل‌دهی این زمین‌ها اقدام جدی صورت گیرد و در جهت افزایش تولید داخلی و خودکفایی کشور از نظر

امین‌آباد، که در نزدیکی کلات‌نشین واقع است، در اثر تسبیل‌زدگی از زمین رفت و اهالی آن روستا مجبور به آفات در کلات‌نشین شدند. با توجه به این که یک سیل‌بند فیسر مطمئن از این روستاها محافظت می‌کند، هنوز احتمال خطر وجود دارد. روستا قیام خواهان یک سیل‌بند مستحکم و مطمئن هستند. آب‌تأمین‌دهی اهالی روستا توسط یک قنات تا زمین می‌شود، که آن هم در خطر بند آمدن است. این قنات چندین سال است که لایروبی نشده است. اهالی روستا انتظار دارند که جهاد سازندگی نصب منبع آبی در کنار قنات و لوله‌کشی را با نصب موتور پمپ به اتمام برساند. روستای کلات‌نشین مدرسه ندارد. دانش‌آموزان ده مجبورند در خانه یکی از اهالی جمع شوند و در آنجا درس بخوانند. اهالی پیشانی‌ها به با همیاری یکدیگر موفق به ساختن حمام شدند، ولی این

هیئت‌های هفت نفری! زودتر عمل کنید بزرگ مالکی پایگاه امپریالیسم و ستون پنجم تجاوز کاران است تکیه‌گاه دشمن را با واگذاری زمینها بد دهقانان زحمتکش نابود کنید.

### به موجب قطعنامه کمیته اقتصادی و اجتماعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد : ساکنان عرب سرزمین های تحت اشغال صهیونیست ها بر منابع طبیعی این سرزمین حق حاکمیت دارند

کمیته اقتصادی و اجتماعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه ای اعلام کرد که ساکنان عرب سرزمین های تحت اشغال نبردهای صهیونیست ها، بر منابع طبیعی سرزمین خود حق حاکمیت دارند. در این قطعنامه اقدام های اسرائیل برای استفاده و تجاوز این ثروت ها غیرقانونی شناخته شده است.

کشور اسرائیل و حامی اصلی آن آمریکا به این قطعنامه ای مخالف و دیگر کشورهای غربی نیز راه رای متعنه دادند. بدین ترتیب یکبار دیگر روشن شد که اسرائیل در سیاست های تجاوزکارانه خود از طرف آمریکا کاملا پشتیبان خاطر دارد.

### ضیاء الحق دروغ میگوید

خبرگزاری تاس در تفسیری بیرومن اظهارات ضیاء الحق، دیکتاتور پاکستان، مبنی بر اینکه گویا اتحاد شوروی و افغانستان با حل و فصل سیاسی مسائل که برآمده از افغانستان بوجود آمده، مخالفانه اعلام کرد که حل و فصل سیاسی مسائل منطقه کاسلا امکان پذیر است. بشرط آنکه کسی واقفا خواهان این حل و فصل باشد و مانند ضیاء الحق تلاش نکند که حقایق را وارونه جلوه دهد و با جهت سیاست شوروی و افغانستان را تحریف کند.

تاس اضافه کرد که اگر رهبران پاکستان واقفا خواهان حل و فصل سیاسی مسائل هستند، از مدتها پیش راه این حل و فصل باز شده است. در ۱۴ مه اسامیل دولت افغانستان حسنیت خود را ثابت کرد و پیشنهاد نمود که بر اساس برابری، مذاکره برای مادی کردن روابط آغاز شود. اما پاکستان پیشنهاد دولت افغانستان را رد کرد و تیران داد که مایل نیست صلح و ثبات در منطقه حکمرا شود. اجماع اسلام آباد مبنی بر اینکه خواهان حل و فصل مسائل است، بیوزره و با توجه به این واقعیت که پاکستان پایگاه تجاوز علیه افغانستان است، روز و بی منتهی بنظر میرسد.

تاس تاکید کرد که رهبران پاکستان در مورد خلع موهوم شوروی و افغانستان تنها صداهای را که از آن سوی دریاها بلند میشود متعصب می کنند.

### سر نوشت رهبر حزب کمونیست پاراگوئه هه چنان مبهم است

به گزارش رسانه های گروهی خارجی، سخنگوی پلیس بوتوس آیرس به خبرنگار داسوشینس، گفته است که، آنژیو مایدا که رهبر حزب کمونیست پاراگوئه و امپلیو راتو یکی از رهبران کارگری این کشور به قتل رسیده اند.

این ۲ مین دوست بزرگ پاراگوئه چندی پیش در بوتوس آیرس برود شده بودند. با این همه هنوز از سر نوشت این دو مبارز اطلاع دقیقی در دست نیست. شایعه قتل رهبر حزب کمونیست پاراگوئه نگرانی آزاده خواهان آمریکای لاین را برانگیخته است. سازمان های اجتماعی آمریکای لاین و بسیاری از کشورها یاد دیگر از دولت رواتین خواسته اند که تحقیقات کاملی را در این باره انجام دهد.

### در تلگرافی به امام خمینی سازمان حزب توده ایران در جمهوری فدرال آلمان آمادگی خود را برای مبارزه علیه تجاوز رژیم صدام حسین اعلام داشت

به تیرگی از فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران، سازمان حزب توده ایران در جمهوری فدرال آلمان، ضمن تلگرافی خطاب به امام خمینی، آمادگی خود را برای مبارزه علیه تجاوز رژیم صدام حسین اعلام کرد. در این تلگرام، از جمله آمده است: «مسئله صدام هیئتکار، در سایه حمایت امپریالیسم غربی و روسی شیطان بزرگ - آمریکا به کشور ما هجوم آورده است، تا انقلاب ایران را که خاری در

چشم این کودلان بر خیز است»  
پیشانی خود را به پهل چنگه درخیمان کند»  
در پایان تلگرام گفته میشود که اعضای سازمان حزب توده ایران در جمهوری فدرال آلمان حاضر در نشست ها و سایر میهمان دوستان انقلابی در صحنه متحد و مبارزه با تنها حمله نظامی صدام علیه خاور میانه هستند.»  
«دولت امپریالیسم غربی و روسی جهانی، پسر کردگی امپریالیسم آمریکا، بتازده و بیوزر شوند»

### تکذیب

بر اساس اطلاع رسیده از دبیر شخصی خام طوسی، که بیشتر اوقات در دفتر مطبوعاتی ایران در دبیر میسربرد، خود را عضو حزب توده ایران معرفی کرده است. بدین وسیله اعلام میدادیم که این فرد هیچگونه ارتباطی با حزب توده ایران ندارد. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۹/۷/۲۲



امپریالیسم سلب کند و به مستحکمان آنها نیز روزنامه غیره حق بیان ندهد، چه مسامحه و غفلت در این زمینه و اعطای آزادی مطلق می تواند به شکل و تغییر عمل امپریالیسم کمک کند و امکانات آنها را برای مقابله با انقلاب تقویت نماید. به همین جهت طلوعی از فعالیت ضد انقلابیون و اعمال استعمارگران خارجی از ضروریات برانقلاب است. ولی سیاست های پیشینادی، زیرلای آزادی های ایران نشانه، می خواهد انقلاب ما را خلع سلاح کند و او را برود انقلاب و سازندگان هموار سازد. ما شاهد بودیم که امپد دولت بوقت چه کوشش وسیعی جهت تسخیر آزادی برای ضد انقلابیون، عمل رژیم گذشته و ما را به ابران وابسته داشت. ما فرا بوش کرده ایم که رژیم دولت بوقت بارها با اصرار و مساجت موهومی جنایتکاران روستگان نظام طاقتی را خواسته بود و در این زمینه حتی به احکام و سراسلایی نیز استناد می کرد و می گفت: «بعضی دروغ فتح تکه همه دشمنان خود را بخشد (دیدیم که فرزندان همین طلق، یعنی آزاد شدگان، با علی بن ابیطالب و فرزند شجاع و یحیی بن علی چه کردند)»

### مسئله ملی

جهت کندگان گزارش گویا فراموش کرده اند که کشور ما یک ملت است و از ملیت واحد است و این ملت ها، که در نظام گذشته با هم ضابطه را تحمل کرده اند، هم اکنون نیز به سیاست ها و نامرزی جامع و وسیع جهت رفع ستم دارند. ما هم اکنون شاهدان هستیم که بی توجهی به این مسئله پس از انقلاب چه دشواری های بی حدی آورده و چگونه امکانات ماسدی را در اختیار امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی قرار داده است.

اما گزارش تمام و اخصی میهمانان میهمانان در این زمینه که این مسئله نیز به فعالیت های اقتصادی و آما بی سر زمین، به خنثی شدن استقلال و تشکیل می دهد. ولی حل مسئله ملیت ها در این گزارش بی گلی ناید به گرفته شده است، تا آنجا که بی توجهی به مشورترین حق هر یک از ملیت ها، یعنی آموزش به زبان مادری که در اصل ۱۵ قانون اساسی نیز استفاده از آن در طبیعت و رسانه های گروهی و تدریس آنها در مدارس آزاد شده است. در سیاست های پیشینادی سکوت گذاشته شده است. جهت کندگان گزارش هر چند لزوم برنامه ریزی منطقه ای و استانی را یادآوری کرده اند، ولی به این مسئله مهم توجه نکرده اند که در نظام گذشته، به عمل سیاسی و به منظور محروم کردن خلق های ایران از حقوق خود، تغییرات ستمی و بر تقسیم بندی جغرافیایی می کشور به عمل آورده اند و لذا تجدید نظر در تقسیمات کشوری یکی از شرایط اولیه تا این حقوق ملی خلق های ساکن ایران است.

بدون تردید بحث درباره سیاست ها و طرح های پیشینادی به تفصیل بیشتری نیاز دارد، ولی تصور می کنیم که با توضیحات بالا گزارش های اصلی و خط می های گزارش تا حدودی مشخص شده باشد.

این گزارش به دروغ انقلاب، بلکه در روح سازندگی، نه برای ایجاد تحول انقلابی در جامعه، بلکه برای احیاء و تثبیت نظام اجتماعی-اقتصادی گذشته تنظیم شده است.

بهنگ در میان تنظیم کنندگان گزارش افراد مترقی و انقلابی نیز وجود داشته اند. ولی گزارش های حاکم بر گزارش سازندگان تعیین کرده اند. برود انقلابی کشور را در اختیار سیاست اقتصادی و اجتماعی انقلابی، بری از مردم سازش کاری و دور از هرگونه نزول و تنزید باند، فقط بر پایه چنین سیاستی می توان یکپارچه انقلابی برای تحول انقلابی در تمام کشور اقتصادی و اجتماعی مبین ما تنظیم کرد.

ما امروز که دولت جدید گزارش نهایی «سیاست های توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران را، که مخالف اهداف ماسدی امپریالیستی و خلقی انقلاب و خلاصه اصول قانون اساسی است، با سیاست توسعه و تکامل خود قرار ندهد.

### تحلیلی از گزارش نهایی

حق تعلق بهره برداری، بر افرازی باقی گذاشته اند، تا با هم امکان پرداخت حق مالکانه و نظایر آن برای مالکین بزرگ باقی بماند.

### ۲- نادیده گرفتن نهادهای انقلابی و مسائل اجتماعی

در گزارش به علت تسلط فعالیت لیبرالی بر آن، نهادهای انقلابی، که از دستاوردهای بزرگ انقلاب ما است، نادیده گرفته شده و مسائل مهم اجتماعی مبین ما با مسکوت گذارده شده و یا به صورتی سطحی مطرح گردیده است. - به برخی از آن ها می پردازیم.

### نهادهای انقلابی

در جریان اوچگیری نهضت انقلابی، به منظور توسعه و پیش برد انقلاب و رفع نارسایی ها، نهادهای مبارزانه بوجود آمدند، که در روزهای پیروزی سیاسی و نظامی انقلاب نقش مهمی ایفا کردند، و پس از آن هم، با وجود تمام نارسایی ها و ناهنجاری ها، خدمات بزرگی برای حفظ و پاسداری از دستاوردهای انقلاب انجام دادند. تا آنجا که می توان گفت، در صورت فقدان این نهادها، امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی می توانستند لغزشات سیاسی و نظامی انقلاب و از سازمان سازندگان ایران بوقی به انحراف نهضت انقلابی گردند. این نهادها، که از بین رفتن آنها، برای پاسداران کشور، تا آنجا که می توانست، شوراها و جبهه سازندگی نام برد، با پشتیبانی قاطع و بی گبر امام خمینی، می توانستند به قیمت خون هزاران جوان انقلابی و تلاش نودهای وسیع، محتوای ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب را تا حدود زیادی حفظ کنند. و هم اکنون نیز نقش ارزنده این نهادها و ضرورت آنها برای تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلابی نا پذیر است.

ولی گزارش تمام این نهادها و خدمات آنها را نادیده گرفته و هیچ گونه نقشی و وظیفه ای برای آنها قائل نشده است. گویا طراحان «سیاست ها و برنامه ها» در انتظار برجده شدن کامل این نهادها بوده اند! اما این استنراقیز انگاری است از خواسته ها و هدف های دولت موقت و گروه های لیبرال، که در مرصد تسلط با تصفیه این نهادها بوده هستند.

به جرات می توان گفت که چنانچه شور و حمایت نودهای انقلابی و پشتیبانی صریح و قاطع رهبر انقلاب نبود، دولت موقت می توانست در این هدف خود توفیق یابد و «سیاست گام به گام» دولت را که چیزی جز سازندگی و برگرداندن استعمارگران خارجی و غارتگران داخلی نبود، تحقق بخشد.

### شوراها

شورا، به عنوان نهادی ابتکاری و خودجوش، از برطن انقلاب ایران برخاست. شوراها از یک طرف در محلات و شهرها نقش ایمن اجتماعی و تحکیم همبستگی مردم و بالاخره تعدیل مشکلات ناشی از اعتصابات و تظاهرات را به عهده داشتند و از طرف دیگر در کارخانه ها، ادارات و سایر سازمانها، خصوصا پس از انقلاب، سهم مهمی در حفظ اموال و افساد و بهره ادا داشتن واحدهای خدماتی و تولیدی داشتند. بی شک دولت انقلابی می توانست از این نهاد درحیث حفظ دستاوردهای انقلاب و کار سازندگی استفاده کند. اما دولت

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جبهه متحد خلق

# «میزان» نامیزان

## «میزان» لیبرالیسم در مسائل داخلی انقلاب

در آینه «میزان» دیدگاهها و افراش سیاسی و طبقاتی لیبرالها را بطور عمده در مرصعهای خارجی و مرزبندی بین دوستان و دشمنان ایران انقلابی در چهار مورد گردید. بررسی پاروفا و تلاشهای لیبرالها را در زمینه های داخلی - که دیدگاههای خارجی خود نموده و بازتاب آنهاست - به فرمت و مجال دیگری موقوف میکنیم. همینقدر بطور گذرا و تشریح می-گوئیم که لیبرالها محبوس تلافی و موقیعت خود در ارتباط با آزادی می-بندوبار سرمایهاند. «میزان» چه-ءا که در واقع حرکت قلبان و شریبان نیششان با آخرین درای سرمایه داری جهانی «میزان» شده، «سخرای» «بسته» درباره تبدیل قوت و سرمایه خصوصی متراشاند. آنها تا آنجا به انقلاب با نظر افراش میکنند که به-ءاین حریم «مقدس» نزدیک نشوند، و اگر انقلاب به خاطر حسلت و وظیفه خود به این حریم نزدیک شود، قریاوشان بلند میشود که «تجریه» «تیک» مستضعفان و بنیاد مسکن (در شکستش تقدس مالکیت و معادله بیت المال) به بقا رفته خلق محکوم به شکست است. این روش تفراتی و دلسردی و سر خوردگیهای پیچیده می-آورد که می-تواند صلیک باشد (البته برای آقایان لیبرالها) و انقلاب را به سر منزل مقصود رسانده (میزان، شماره ۲۲)

آقای لیبرال عیلاق خود را با عقاید مردم عوضی میکند و به-ءاینندگی از طرف مردم تخریب میدهد: فریسی انگار در ماههای پند از انقلاب در میان تفرهای مختلف مردم نشان میدهد که اکثریت قاطع طالب حذف مالکیت خصوصی و یا صلیب مالکیت از افراد میباشند. (میزان، شماره ۲۲)

«میزان» از ثروتها و سرمایههای غارتشده، که کته دیگر ترازوی آن قش ملیونی جامعه ماست، بنیوان حق مکتسب میگرد نام می-برد و در دفاع از این چهارمیلیون که مشروفیت آنها در صورت آنها از استفاده قانونی از شیوههای طریف و پوشیده زدی است، میگوید: «فصل ملک و حق مکتسب مشروع فرد و توفیق او» و دیگران نوع دیگری از - ظلم و زوالن مردم است. (میزان، شماره ۲۱)

و سرمایههای حرف آخر خود را که شاه بیت حیات اوست، پس زبان می-آورد: به-ءای حاسر و کنترل سرمایهها تعیین حد و مرز و ضرورت ایستد که از سرمایهگذاران صحتی تقدیر شود!

در بیان مطالب شدید و متوجه «میزان» که به-ءاین مردم مومس نامی آنها تهریا همانند است دووقاله نمونهوار وجود دارد که تنها خواننده آنها یکدیگر تنظیم شده آرا و عقاید و آمال لیبرالیسم ایرانی را پیش روی ما میگذارد: ۱- عرض مختصر با جوانان انقلابی و مکتبی خودمان (میزان، شماره ۲۱)

۲- نبیشت ضد ایرانی (میزان، شماره ۲۲)

و اتفاق این هر دووقاله از تقوادی است: آقای مینس مهدی بازرگان! در این مقالات انگاریهای انقلابی جاسوسان امپریالیسم آمریکا و گزبهها و شرکای جرم طمانت توسط دانشجویران مسلمان پیروز خط امام، که از سوی امام خمینی مرحله دوم انقلاب و انقلابی پررنگتر از انقلاب اول خوانده شده، «فخویر انگاری» و «دولت» «فخویر انگاری» خوانده شده است. «فاز روزی که «فازگری» شروع شده نبیشت ضد ایرانی که اسم دیگری را خود ویرانگری میگذاریم، براه افاده تحت لوی فصدامریالیستی و یا لیت و ادعای دفاع از انقلاب»

«فازگزاریه» که ضرورت حیاتی هر انقلاب خلقی است، با کنایه ای نبیشتار «فازگزاریه» اسفندگاری شده، به جوانان اینترگر «چپان سازگاری» یا این تهر و سر کوفت، یادش داده شده: «ساختن یک چا و یک چیز که باید خراب کردن چها و چیزهای دیگر باشد»

«فازگزاریه» انقلاب، که پشتوانه انقلاب و سر دفاع است، چنین ارزیابی شده: «فصلنامه» و «گینه و دشمنی علیه انقلابی اسلام که این نظرها (میزان) انقلابی در داخل و خارج ایران پیچیده می-آورد و لشکر ضدانقلاب را قوت می-بخشد»

«فصلنامه» انقلاب و «گینه» که کینه و دشمنی علیه انقلابی اسلام که این نظرها (میزان) انقلابی در داخل و خارج ایران پیچیده می-آورد و لشکر ضدانقلاب را قوت می-بخشد»

باید اران انقلابی و «گینه» که کینه و دشمنی علیه انقلابی اسلام که این نظرها (میزان) انقلابی در داخل و خارج ایران پیچیده می-آورد و لشکر ضدانقلاب را قوت می-بخشد»

باید اران انقلابی و «گینه» که کینه و دشمنی علیه انقلابی اسلام که این نظرها (میزان) انقلابی در داخل و خارج ایران پیچیده می-آورد و لشکر ضدانقلاب را قوت می-بخشد»

باید اران انقلابی و «گینه» که کینه و دشمنی علیه انقلابی اسلام که این نظرها (میزان) انقلابی در داخل و خارج ایران پیچیده می-آورد و لشکر ضدانقلاب را قوت می-بخشد»

باید اران انقلابی و «گینه» که کینه و دشمنی علیه انقلابی اسلام که این نظرها (میزان) انقلابی در داخل و خارج ایران پیچیده می-آورد و لشکر ضدانقلاب را قوت می-بخشد»

باید اران انقلابی و «گینه» که کینه و دشمنی علیه انقلابی اسلام که این نظرها (میزان) انقلابی در داخل و خارج ایران پیچیده می-آورد و لشکر ضدانقلاب را قوت می-بخشد»

انفستان چاپ میکند و به بهانه دفاع این انقلابیون آمریکایی از موضع ایران از جنگ با عراق، خود مقاله بر سوز و گدازی در حاشیه این خبر جیتدار میبوسد که:

«مهدلی و همدردی برادران افغانی، که خود در جنگ با سوسیال-امپریالیسم شوروی سخت درگیرند، برای امت ما نویسنده است.» (روزنامه پرژینسکی، صفحه ۸)

روزنامه پرژینسکی یک خبر مرصع درباره «محکوم کردن برادرهای از سوی «اتحادیه کارگران انقلابی از پیش» (۱) از نویسندهی درسی آورد که:

«دیپلمات تورنت» مستقیم دو بر قدرت روس و امریکه، قنون عراق به جمهوری اسلامی ایران حمله کرد. این جنگ توسط دکانداران شرق و غرب، که هنگی خواستار سقوط ایران انقلابی هستند، همیادی میشود. (روزنامه پرژینسکی، ص ۸)

روزنامه آیدال، پرژینسکی یک انتقاد جانانه و طعنه آمیز از پاکسازی عوامل طمانت از ادارات میبوسد، و در همان سترن، زیر عنوان «فاز ادعا» واقعیت، جنگ ردمستان را به پای حزب توده ایران میگذارد.

روزنامه پرژینسکی در یک مقاله بلندبالای «ستونی» به مارکسیسم، بنیوان یکی از قلوبهای «مخالف» یا اساسی مذهبی میبازد و مسورخین و ناشندان شوروی را به قلب و تحریف اسلام متهم میکند. برای این مقاله شبعلمی و تفریح آمیز، چه عنوانی چابند و بر زرقو برق داشته باشد!

روزنامه پرژینسکی یک مقاله جانانه و فصل دیگر تحت عنوان «فکیر و وضع مواد خوراکی در اتحاد شوروی» قدیم خوانندهگان میکند و در آیات این معما، که از قریب کهنگی بوی کزک گرفته، عکس از یک صیف طولانی و ناشخص زینتبخش مقاله «تحقیق و عیقا» خود میکند و زیر آن می-آورد:

روزنامه پرژینسکی یک گزارش شش هفت ستونی، با «عکس و تیت-های ختمند، درباره «فازدگی اشراقی و افشای» طیفه حاکمه سرخ در شوروی و اقرار آن» (۲) چاپ میکند، با چه مطالب میبج و محیرالقول:

- برزف ۳۰ خانه بیلاش دارد.

- در شوروی پستهای اداری قابل خرید و فروش است.

- قصر خروشیف مانند موزه تاریخی بوده که در میان جنگل بنا شده

و دارای استخر شیشه ای و سالنهای سینمایی اختصاصی و اسکله های خاص برای کشتی خصوصی بود.

و دها کشف بریدل و سوسردیگر بر این دو...!

روزنامه پرژینسکی در برابر آمریکا هم نمی-خواهد و نمی-تواند سکوت کند. شرف ظفر و حرف روزنامه نویسی حکم میکند که حداقل ظاهر «بیر-طرفی» به خود گرفت. اما مقالای که درباره «فخویر انگاری» آمریکا در خاور نزدیک است، تاکنون موضوع و هدف خود را کم میکند و دمورد ساخت و پاخت دو ایردردت به پاکیدیگی و قرارمادهای آنها به قلب فرسانی میردازد.

روزنامه پرژینسکی یک تفسیر خیلی روشنگرانه هم در باب موضوع روز، یعنی وحدت سوریه و «لیبی» می-بوسد و این وحدت را آخرین تفتب دیکتاتورهای حاکم در سوریه و لیبی برای تکمیل موقیعت خود قدر برابر خواستهای مقاله مردم تحلیل میکند.

روزنامه پرژینسکی تهر هم به تاریخ میزند و زیر آرم «فولپین ایم ۳۵ قرن شاهنشاهی» از حمایت برزف از طرح تجاوزگرانه شاه به-ءین راسل شده، در آفتابوس حنه، برای اولین بار به مستند منابع مجهول اروپه خیری برده میردازد.

خوب، نظران رایج به روزنامه ای با این محتوی و رنگ آمیزی چیست! محکمت بگوید: پس آمریکا چه؟ امپریالیستهای سوتی و طرار ادواتی و زاپتی، که خدمت تمام جنایات شیطان بزرگانه، کجا هستند! چرا درباره آنها سکوت و با آنها همدردی میشود!

چرا قبیل ایستد که این حرفها را تزیید، که آقای پرژینسکی سخت میبوسد، این تفرعات افغانی فقط مشلق به کونیت هستند!

مکتسب بگوید: آخر اینهمه تبلیغ آشکار ضدکمونیستی و ضد کشورهای شرقی «چپان سوریه، افراط کاری و دور از احتیاط است. با اینهمه عیقل، دست آقای پرژینسکی خیلی زود رد میشود.

مکتسب بگوید: اینهمه تبلیغ تحریف و تشویر مجنونهای پرورده شده در پنتاگون و سیا و آژانسهای میبوسیتی در پشتلاره روزنامه، آتمپیک روزنامه ۸ صفحه ای، از بولتهای تبلیغاتی هم غلوآمیزتر میشود. روزنامه، ظاهری کم که شده، باید کمی عادل داشته باشد.

در اینجا جواب شما فقط یک بوزخند است:

میگوید این کار تندی است! چه سادهلودانه! همه این مطالبی که به عنوان محتوی این شماره از روزنامه پرژینسکی آوردم، در دوی شماره ۱۹ روزنامه «فصلنامه» نقل کرده ام! شماره ۱۹ «میزان» چه-ءای دیگری هم داشت، که کته ترازو را بیشتر بنیغ پرژینسکی سنگین میکرد، ولی ما دیدیم که نقل همه آنها دیگر شور قتی و درسی آورد!

مکتسب بگوید: در شماره ۱۹ «میزان»، شاید کنترل از دست آقای پرژینسکی در رفته که قضایا این جور رسوا کنند، آفای شده است.

این بار ما به شما لطیفانه میبیم که به-ءینچه اشتباه و سوءتفاهم رخ نداده. هر شماره «میزان» را که انتخاب کنید، یا «میزان» شماره ۱۹ است، فقط ظاهر تیرها و عکسها و ترفین مضامین فرق میکند ما این عیج تمیدی شماره ۱۹ «میزان» را بنیوان یک الگو و مشتمونه خرابوردر گردیدیم.

میوانستیم و می-توانیم هر شماره دیگری را که شما بخوانید، با آن عیج کنیم... آیا این واقعیت هم معادری است که صد فرصد گزرباشی و تفسیر-های خارجی «میزان» و ۹۵ فرصد خبرهای خارجی آن از خبرگزارریهای امپریالیستی و میبوسیتی و روزنامهها و مجلات امریکایی و انگلیسی و فرانسیسی و آلمان غربی گرفته میشود! آیا اینهمه قضایا است که از مجموع ۱۴ کارکنان روزنامه می-آید! و اغلب لوس و لچسبی که ۳۸ شماره «میزان» چاپ شده، ۱۲ تا ۱۵ ملیه کشورهای سوسیالیستی حزب توده ایران است!

واقعا پرژینسکی، اگر در ایران روزنامه منتشر میکرد، دستبختی جن این داشت!

بینه از صفحه ۴

ما را فلیغ کرده است. ما باید با آمریکا وارد مذاکره بشویم و مسالمان را حل کنیم، اگر قرار باشد هه درها را بروی خود بیندیم که نمیشود! هه خامی امریکه، از نظر سیاسی مشکلات خود را در نظر نمیگیرد...» (دکتر سعیدی، در جلسه حتمت سیر ماه ۵۹ مجلس)

درباره آن انزوی کذایی، که لیبرالها آرا رود گرفته اند، تا از آن نتیجه دلخواه را بگیرند، اتفاقا سفیر صدردسه ضد امپریالیست حکومت صد ردصد خلقی و دموکراتیک صیالحلق هم نظر مشترک دارد! «میزان» این نظر مشترکه را بنیوان مصاحبه اختصاصی با سفیر پاکستان در ایران، شکتی میکند:

«برقوتها میکشند ایران را در جهان منزوی کنند و قاعد زبانی هم موفق شده اند. روابط ایران با عراق، بحرین، کویت، عمان، ترکیه، عربستان سعودی و... (و حتما امریکا) به گونه ای نیست که بشود گفت حسنه است... منزوی کردن شما چیزی است که دشمنان میخوانند. هرچه ایران بیشتر منزوی شود، آنها بیشتر می-توانند بر علیه شما کار کنند.» (میزان، شماره ۱۸)

به این ترفیق، «میزان» کندگسان خط لیبرالیسم، از زبان سفیر پاکستان، حرف دلشان را میزند:

«دشمنان ما خواهان انزوی ما هستند. برای شکست این انزوا باید دو به عراق، بحرین، کویت، عمان، ترکیه، عربستان سعودی و روسیای نازیستی مانند اینها بیاییم. امریکا هم که بقول نماینده لیبرالیسم در مجلس، «مطل مشکلات ما است، همه گرهها بست او بساز میشود» پس معلول چه هستیم!

میبیند که بازی طازوی بین المللی ایران، به کارگردانی ما هارانه حشرات، به چه پایان خوب و خوشی میرسد، برده نماینده میبج دفتر آشتی با آمریکا میباند. ما و امپریالیسم آمریکا، که بقول امام خمینی: «تشنه اصلی ما است و همه مشکلات و مصائب ما از او است» و «روابط ما با او رابطه ظالم با اسیر است»، دست در گردن هم، روی یکدیگر را می-بوسیم، با میگوئیم گذشته ها گذشته، تو هم دست از امپریالیست بوندت بردار تا سوه قانها و کودرتها رقع شود. آخر ما شن مشترک داریم، و امپریالیسم نامه، در نهایت خج و حیا، فقوله مراده میدهد!

«دشمنان ما خواهان انزوی ما هستند. برای شکست این انزوا باید دو به عراق، بحرین، کویت، عمان، ترکیه، عربستان سعودی و روسیای نازیستی مانند اینها بیاییم. امریکا هم که بقول نماینده لیبرالیسم در مجلس، «مطل مشکلات ما است، همه گرهها بست او بساز میشود» پس معلول چه هستیم!

میبیند که بازی طازوی بین المللی ایران، به کارگردانی ما هارانه حشرات، به چه پایان خوب و خوشی میرسد، برده نماینده میبج دفتر آشتی با آمریکا میباند. ما و امپریالیسم آمریکا، که بقول امام خمینی: «تشنه اصلی ما است و همه مشکلات و مصائب ما از او است» و «روابط ما با او رابطه ظالم با اسیر است»، دست در گردن هم، روی یکدیگر را می-بوسیم، با میگوئیم گذشته ها گذشته، تو هم دست از امپریالیست بوندت بردار تا سوه قانها و کودرتها رقع شود. آخر ما شن مشترک داریم، و امپریالیسم نامه، در نهایت خج و حیا، فقوله مراده میدهد!

میبیند که بازی طازوی بین المللی ایران، به کارگردانی ما هارانه حشرات، به چه پایان خوب و خوشی میرسد، برده نماینده میبج دفتر آشتی با آمریکا میباند. ما و امپریالیسم آمریکا، که بقول امام خمینی: «تشنه اصلی ما است و همه مشکلات و مصائب ما از او است» و «روابط ما با او رابطه ظالم با اسیر است»، دست در گردن هم، روی یکدیگر را می-بوسیم، با میگوئیم گذشته ها گذشته، تو هم دست از امپریالیست بوندت بردار تا سوه قانها و کودرتها رقع شود. آخر ما شن مشترک داریم، و امپریالیسم نامه، در نهایت خج و حیا، فقوله مراده میدهد!

میبیند که بازی طازوی بین المللی ایران، به کارگردانی ما هارانه حشرات، به چه پایان خوب و خوشی میرسد، برده نماینده میبج دفتر آشتی با آمریکا میباند. ما و امپریالیسم آمریکا، که بقول امام خمینی: «تشنه اصلی ما است و همه مشکلات و مصائب ما از او است» و «روابط ما با او رابطه ظالم با اسیر است»، دست در گردن هم، روی یکدیگر را می-بوسیم، با میگوئیم گذشته ها گذشته، تو هم دست از امپریالیست بوندت بردار تا سوه قانها و کودرتها رقع شود. آخر ما شن مشترک داریم، و امپریالیسم نامه، در نهایت خج و حیا، فقوله مراده میدهد!

## امپریالیستها حامیان انقلاب جهانی!

چشمبندی لیبرالها را دیدیم که چگونه در شرح سیاسی خود انقلاب فلسطین، سوریه، لیبی، چین دیکراتیک، ویتنام، کوبا و اتحاد شوروی را در مقابل و در ستایه با انقلاب ایران قرار میدهند، و به-ءای انزوی ایران از کشورهای همیون عراق، بحرین، کویت، عمان، ترکیه و عربستان سعودی میباندند! چشمبندی این سخران را دیدیم که آمریکا را «میتان مشکل» گشای همه مسائل ما، جاز زند و با انواع دوز و کلک، بیست انقلاب را با «فصلنامه بزرگ»، راه بیرون رفت فاز فلیغ اقتصادی و «انزوی بین المللی ایران» خواندند! چشمبندی آنها را دیدیم که با میروالی، حتی از قول امام خمینی، دست به جمل خبر زند که «باید انگار عمومی را برای ادامه رابطه با آمریکا آماده کرد!» (میزان، شماره ۱۱، نقل مینس بازرگان در مجلس...)

اما این چشمبندی اجزاء دیگری هم دارد. اگر قرار است چسای کشورهای فصدامریالیستی و شرقی را در کنار ایران انقلابی با امپریالیستها و توجههای بیحلی آنها عوض کرده، پس لازمت، هم برای امپریالیستهای چپانوار و هم گزبههای آنان، بنیغی از انعام کتب و جبهه کرد. اگر کان لیبرالها، که درسی را از بر است، سرود و ثنا را بسوی امپریالیستهای اروپایی و زاپتی سرازیر میکند و دلسوزیهای آنها را برای کشورهای چپان سوریه، دینار دینار میباند، «میزان» استقلال طلبی زاپن را در برابر آمریکا، نمستی بزرگ برای کشورهای خاورمیانه میخواند و مدعی میشود: «امریکا زاپن را بخاطر سلیبشای فصدامریالی و مواضی که به نفع اعراب اشتاف کرده، دست در فشار قرار داده است.» (میزان، شماره ۲۷)

و سرمایهها رفته کلام را به این رهمند و بصیبت میبندد که: «فرا کشورهای خاورمیانه از نیروی عظیم زاپن برای رهائی قس میزیز استفاده میکنند!» (میزان، شماره ۲۷)

ملاحظه می-کنید که، در یک چشم برهم زدن، زاپن امپریالیست در میان صحعات «میزان» به مجاهد استقلال، به یاور انقلاب جهانی و دوست بزرگ «کشورهای خاورمیانه»، و پند تاگزیر ایران، بدل میشود. فرانسه امپریالیست درخور سیر و لطف می-شود و نویسنده «میزان»، از اینکه به-ءای خبرگزاری فرانسه بنیغی تند آفرینیها و دروغبانیهای سکر در سکرش صورت داده شده «بساط خود را هرچه زودتر در مملکت ما جمع و گوش را کم کند، حیرت زده و اشتبه میشود و به دست و پا میبندد که:

«شاید هم سوه قانم باشد. آخر ما با فرانسه روابط بهتری داریم. این قضیه از کجا آب میچورد!» (میزان، شماره ۱۸)

آیا این واقیعت سبیل کترین نیازی برای تفسیر و توضیح محتوی سیاست اصلی و مکتوبات لیبرالیستی محترم ایرانی باشی میگذارد آسما مسودهها و صیابزادهها و امپریالیها و میشرالیها و وایلاها، اگر هنوز در میدان بودند و روزنامه منتشر میکردند، دستبختی جن این داشتند!

## یک شماره از روزنامه پرژینسکی

چشمبندی نامهمردم در مقاله طنز آمیزی نوشته بود: «فاز پرژینسکی در ایران روزنامه منتشر میکند، این روزنامه چگونه بوده ما یک شماره از این روزنامه پرژینسکی ما ب را، در شرایط کنونی ایران، در نظر می-آوریم، تا که نعل این طنز آشکار شود:

روزنامه آیدال پرژینسکی تهر میبندد: ما باید با آمریکا حتما وارد مذاکره بشویم، و این تیت فریوب درخور صفحه اول است.

روزنامه پرژینسکی در سرمایه خود مستقیم و غیرمستقیم پای شرق و بخصوص اتحاد شوروی را در جنگ ایران و عراق میان میکند و زیر لوی «فولف برزف» کسه کوزها را بر سر شرقی می-شکند و سوسیالیسم انقلابی را امپریالیسم دیگری وانمود میکند.

روزنامه پرژینسکی یک مطلب موزی از سازمان سیا ساخته بر

# قطب زاده بار دیگر بر ضد خط امام قیام کرده است

روزنامه «اطلاعات» (۲۴ مهر ماه ۱۳۵۹، ص ۱۰) خبر میدهد که صادق قطبزاده، در یک مساجد اختصاصی با «پول» یورگنس، خبرنگار روزی، مطهر اظهار داشته که در شماره ۱۰ اکتبر ۱۹۸۰ روزنامه «اطلاعات» چاپ اسلو منتشر شده است. متن کامل گزارش واصله از مساجد قطبزاده بقرار زیر است:

«صادق قطبزاده وزیر خارجه پیشین ایران در مساجد اسلو روزنامه «اطلاعات» چاپ اسلو گفت: دولت ایران که به خاطر جنگ با عراق قابل سرزنش است، باید فوراً گسروگاتیهای امریکایی را آزاد کرده، و به دلیل عدم ایقت کتار رود. دولت ایران مسئول عدم رهبری صحیح نیروهای مسلح، و نیز مشکلات اقتصادی و اجتماعی است، و این خود بمرای امکان داده تا بایران حمله کند»

قطبزاده که اینک در تلاش انتشار روزنامه «ایمان» (نامش) در تهران است، به خبرنگار روزی گفت: عراق زمان دستش را برای حمله انتخاب کرده، وی در مساجد خود افزوده: انتظار چنین حمله‌ای را داشته، لکن نه باین زودی! قطبزاده تأکید کرد: ما نباید سیر کنیم تا آیت‌الله خبیبی رحلت کند و

## تجدید پیمان از سنگرهای رزم با افسران شهید توده‌ای \* ۲۶ سال از سالروز شهادت اولین گروه افسران شاخه نظامی حزب توده ایران گذشت

۲۷ مهر، بیست و ششمین سالگشت شهادت گروه اول افسران غشو شاخه نظامی حزب توده ایران است. ۲۶ سال پیش در سحرگاه خونین چنین روزی، رژیم تبهکار پهلوی، که بعد از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد تصمصیم گرفته بود پایه‌های سلطنت خود را بر خون رزمندگان راه استقلال و آزادی ایران استوار کند، نفن از افسران غشو شاخه نظامی حزب توده ایران و یک رفیق شاعر را به پیوسته اعدام سرد.

در سحرگاه ۲۷ مهرماه ۱۳۳۳ دژخیمان شاه برپیکر قهرمانی رفتا:

- ستوان یکم عباس افراخته
- سرهنگ ژاندارمری عزت‌الله سیامک
- سروان شهربانی نورالله شفا
- سرهنگ دوم نعمت‌الله عزیزی
- مهندس و شاعر مرتضی کیوان
- سرهنگ دوم محمدعلی میثری
- سروان شهربانی نظام‌الدین مدنی
- سروان شهربانی محمدعلی واعظ قائمی
- سرگرد حقوق‌دان هوشنگ وزیریان
- آتش کشوند. رفقای توده‌ای در آن سینه‌دم خونین با فریادهای:

«مرگ بر شاه!  
- زنده باد حزب توده ایران!

و با این ایمان به صف طولانی شهیدای حزب توده ایران، این شهیدای راه آزادی وطن از سلطه استبداد و امپریالیسم پیوسته که، بر پست خون آنها مشت‌های خلقی یگانه خواهد شد و بساط ننگین سلطنت وسلطه امپریالیسم را فرو خواهد ریخت، تاریخ بر همان راستا رفت که شهیدای توده‌ای خون خوردا

ایرانی‌های آن، خامه‌ها، منتقد است که برای تشکیل دولت تازه «باید سیر کرد تا آیت‌الله خبیبی رحلت کند»

خلاصه این نظرات قطبزاده اینست که: از مخالف خط امام است، مخالف سیاست جمهوری اسلامی ایرانست و مخالف روح انقلاب شگوهند ایرانیست.

و اینکه، با وجود امام خبیبی و اختیاراتی که قانون اساسی به ایشان تفویض کرده، قطبزاده از چه راهی می‌خواهد دولت تازه تشکیل گردد؟

بنظر ما قطبزاده آن اهمیت را ندارد که کسی وقت خود را صرف خواندن و تعبیر گفته‌های وی کند، ولی از این لحاظ که بداندیم چه کسی نزدیک یکسال و نیم خود را در حساس‌ترین سبتهای سیاسی و دولتی جمهوری اسلامی ایران جا داده بوده تصدیق درباره مساجد نامبرده ضرورت دارد.

و حال نیز باید دانست که، آن کسی که با انتشار روزنامه جدید می‌خواهد به انتشار آید انکار ضدانقلابی در جامعه ما ادامه دهد، دارای چه سوابقی است، می‌توان تصور کرد که این شخص در پست رئیس رادیسو تلویزیون چه کارها کرده است و در مقام وزیر خارجه چگونه در تخریب مواضع جهانی جمهوری اسلامی ایران کوشیده است.

### تصحیح

فری بنام ناصر صادق طس نامهای خطاب به نامه مردم، ضمن اشاره به مطلبی در شماره ۳۴۷ نامه مردم، اعلام کرده است که برادر دکتر علی صادق، از رهبران گروه ضدانقلابی - مائوئیستی رهبران نیست، ضمن اعلام این مطلب، متذکر می‌شویم که وی پسرعموی دکتر علی صادق است.

## فردا (دوشنبه) نامه مردم منتشر نمیشود

**در جنگ  
عاد لانه بر ضد  
رژیم صدام  
حسین و برای  
دفاع از میهن  
انقلابی شرکت  
کنیم!**

**کمک مالی به حزب  
توده ایران یک  
وظیفه انقلابی  
است**

از بند عباس	۴۰۰۰۰ ریال
مادر	۵۰۰۰ ریال
از قزوین	۵۰۰۰ ریال
از بند عباس	۴۰۰۰۰ ریال
مادر	۵۰۰۰ ریال
ب.م	۲۰۰۰ ریال
ف.ع	۱۰۰۰ ریال

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام آقای کرمانشاه شماره ۳۳۳۳۳۳ شعبه ۴۹۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

ناراض کردند. امروز، در سالروز شهادت این رفقاء نسل‌نویین توده‌ای‌ها در سنگرهای رزم با امپریالیسم، پسر کردگرا امپریالیسم امریکای، راهشان را برای آزادی کامل وطن از سلطه امپریالیسم ادامه می‌دهند.

نسل نویین توده‌ای‌ها، که حماسه رزم و شهادت را از اسلاف قهرمان خویش به میراث برده‌اند، یاد دیگری بیجان خویش را با افسران شهید توده‌ای جدید می‌کنند که، تا آخرین قطره خون خویش را نثار آزادی میهن انقلابی از سلطه امپریالیسم جهانی، پسر کردگرا امریکای و دفاع از جمهوری اسلامی ایران کنند.

### وحدت خلق...

پایه از صفحه ۱

را در آغوش گرفته، صحنه خیابانها در آن نبرد دشوار، سنگر واحد تمامی مردمی بود که دل به استقلال و آزادی کشورشان بسته بودند، در این نبرد سرنوشته‌ساز، کسی از کسی نپرسید که: هم‌روز من! موضع سیاسی تو چیست، از کجا آمده‌ای و طرفدار کدام مکتب هستی؟ امر مشترک همه نیروهای رزمنده، سرنگونی شاه مملون و ایجاد حکومت مستقل مردمی بود و در این راه همه مردم، سرنظر از مذهب و مذهب و جنس، در کنار هم جنگیدند، در کنار هم زخم برداشتند و خونشان در چویرای واحد روان شد.

شروع جنگ تحمیلی از سوی رژیم پانیکار احمد حسین وبختر افغان استقلال و تمامیت کشور از جانب امپریالیسم متجاوز امریکای یار دیگر تمامی مردم میهن‌دوست را بطور هم‌گرد آورد و در سنگر واحد پیکار قرارداد، نظارتهای عقیدتی و مسلکی، که در پیست ماه پسران انقلاب، آگاهانه و ناآگاهانه غفلت پذیرفته و جای بر حل مسائل مهم انقلاب تنگ کرده بود، با آغاز جنگ رنگ باخت و جای خود را به همدلی و هیاری و همگامی مردمی داد که، سرنظر از افتخارات مسلکی‌شان، استقلال کشور خود و حفظ جمهوری اسلامی ایران را چون مردمک چشم عزیز می‌دانند، و در این امر سرتنگ میهنی، آماده برای همه گونه فداکاری و ایثار هستند.

مردم محروم و امپریالیسم زده ایران، که با انقلاب پرشکوه خود نمونه‌آنجایی-آمیز و ستایش‌انگیزی از پایداری و ایثار بجایان ارائه دادند، باردیگر در این جنگ میهنی، چشم جهانیان را بخود خیره ساختند؛ آمادگی عمومی برای

اتزام به جبهه، خوارشردن هستی‌خویش و عزیزداشتن اهداف انقلاب، پذیرش شوارها و حرمان‌ها برای نبرد طولانی با امپریالیسم، پسر کردگرا امپریالیسم امریکای، قبول کار بیشتر و تولید بیشتر برای تحکیم بنیه اقتصادی کشور در برابر دشمن، همه و همه آن نیروی بی‌نهایت توده‌های مردم است که این بار نیز با درخشندگی خاص، امواج جهانیان را برانگیخته‌اند. سرنظر از یک اقلیت ممتاز گرفته در ابتدال، که تاپ کترین محرومت ندارد، خون خود را رنگین تر از دیگران می‌پندارد و جز رفاخ خود به چیزی نمی‌اندیشد، و گروهی به اهمیت خرابکاری که زیر پرچم مائوئیسم در سراسر دوران پس از انقلاب سرگرم انقلاب بوده و اکنون بز دلانه خود را کنار کشیده و جنگ میهنی ما را «جنگ ازجهای» نام نهاده است، گل مردم، چنان درجه عالی از میهن‌دوستی از خود به منصفه بروز آورده‌اند، که بحق موجب افتخار کشور بلاکشیده ما در جهان است و دیای متریقی یا ستایش و احترام از آن یاد میکنند.

علیرغم برخی از دستهای انحصارطلب، که هنوز اینجا و آنجا در کار وحدت خلق و آمادگی توده‌ها برای شرکت در جنگ میهنی اختلال میکنند و تمییزش روا میدارند، روند پیکار خونین در جبهه جنگ جنوب، در شهرهای خرمشهر، آبادان، اهواز، ذوقل، سوسنگرد و... روشنی نشان میدهد که، مردم پیکارچهر متحد در کنار هم می‌جنگند و چیزی که بپیچرو در ذهنشان نمی‌خلد، قاتلتهای عقیدتی و مسلکی است. برای این مردم رزمنده ایثارگر، آنچه مطرح است، دفاع جانانه از میهن انقلابی، استمرار انقلاب و پایداری نظام جمهوری اسلامی است، که برای مردم محروم این مرز و بوم، استقلال و آزادی پسران آورده

این نحوه برخورد انقلابی با مسائل مهم مملکت، باید برای حاکمیت انقلاب و همه سازمانهای سیاسی تجربه آموز باشد، و وحدت خلق از پائین و در میان توده‌ها، به وحدت متشکل و سازمان یافته در بالا و در میان تمامی نیروها و سازمانهای انقلابی ارتقا یابد.

شاید در این امر، امروز دیگری کمترین تردیدی نباشد که، اگر تشکیل جبهه متحد خلق در دوران پس از انقلاب مورد آتبه انکار و کارشکنی عمدی و فرمودی قرار نگیرد و امکان تحقق می‌یافت، امروز قدرت شگرف فکر و تمسیم‌گیری جمعی، و اشتراک‌مسئله همه نیروهای سیاسی مدافع انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، پسر کردگرا امپریالیسم کارآئی ما را در نبرد علیه امپریالیسم فدار امریکای صدچندان کرده بسود. هنگی مترفند که فرمان تاریخی امام خمینی در تشکیل شورای دفاع موجب ایجاد هماهنگی میان نهادهای شرکت کننده در نبرد علیه تجاوزگران صدامی است و تأثیر و کارآئی نیروهای رزمنده رایه درجعات والا نری ارتقا خواهد داد، بهمین ترتیب است. وحدت عمل تمامی خلق که پیشبرنده‌انقلاب، تمیقو گسترش آن، زیرا اینجا جبهه وسیع‌تری از نبرد علیه امپریالیسم، پسر کردگرا امپریالیسم امریکای است و در این جبهه گشاده‌تر، وحدت عمل نیروها مهم‌ترین ضرورت است. فا کارآئی ما را در جبهه نبرد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی علیه امپریالیسم، پسر کردگرا امپریالیسم امریکای، افزایش دهد، از دشواری‌ها بگذرد و راه دشوار مبارزه را آسان‌تر و کوتاه‌تر سازد.

باید روزی که جبهه متحد خلق، بعنوان مظهر وحدت متشکل خلق، تحقق یابد.

**نامه مردم**  
آنگاه مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر پیرزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دکتر نامه مردم هنوز در اختیار نامه مردم نیست)

**NAMEH MARDOM**  
No. 361  
19 October 1980

Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۲۱۱۳۵۵۱، محله ۱۲ پستی تهران